



مثبت اندیشی در سایه امید به رحمت و مدد خدا

هیچ بنده مومنی نیست جز آنکه در ضمیرش دو نور تابان است، نور خوف و نور امید که اگر هر یک با دیگری سنجیده شود هیچ یک فزونی نخواهد یافت.

هیچ بنده مومنی نیست جز آنکه در ضمیرش دو نور تابان است، نور خوف و نور امید که اگر هر یک با دیگری سنجیده شود هیچ یک فزونی نخواهد یافت.

امیرالمومنین علی (ع) فرمود: اگر چیزی از دستت رفت غصه نخور و قلب خود را مشغول آن نکن تا از امور دیگر آینده باز نمانی.

عیسی (ع) نشسته بود و پیرمردی با بیل زمین را شخم می زد عیسی دعا کرد: خدایا امید و آرزو را از او بگیر. پیرمرد همان لحظه بیل را کنار انداخت و دراز کشید. مدتی گذشت و عیسی (ع) دعا کرد: خدا امید و آرزو را به او بازگردان. پیرمرد بلند شد و شروع کرد به کار کردن.

حقیقت مذکور در حدیث فوق منحصر به آن پیرمرد نمی شود و تمام انسان ها را شامل می شود. همین طور هر فردی که به کار مشغول است یا قصد انجام کاری دارد هیچ فکر کرده ایم اگر به آینده امید نداشت چه می شد؟ پاسخ روشن است: مثل آن پیرمرد دراز می کشید.

پیامبر اکرم(ص) فرمود: امید برای امت من رحمت است زیرا اگر امید و آرزو نبود هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی داد و هیچ باغبانی درختی را نمی کاشت. برادران خیانت کردند و یوسف را در چاه انداختند. خداوند به او امید می دهد، می فرماید: به یوسف وحی کردیم که حتما آنها را نسبت به این کارشان متنبه خواهیم کرد. بیشتر و بلکه تمام داستان های قرآن این پیام را دارد که جهان را صاحبی است، پس امیدوار باشید. ابراهیم (ع) در آتش و پیامبر (ص) در غار با تار عنکبوت و یوسف (ع) در چاه حفظ شد.

ما هم خدایی داریم امیدوار باشیم حتی اگر اوضاع تیر و تار بود امیدوار باشیم چون تاریکی نشان روشنایی است. قرآن کریم می فرماید: آیا صبح نزدیک نیست؟ (سوره هود آیه 81)

موضوع امید و ناامیدی با موضوعات زیادی مرتبط است. از جمله با موضوع خوش بینی و مثبت اندیشی. فرعون در نهایت خبثت و گناه و بلکه مدعی ربوبیت بود اما خدا به بازگشت او هم امیدوار بود و موسی و هارون را هم امیدوار می کرد: به سوی فرعون بروید که طغیان کرده است. اما به نرمی با او سخن بگویید شاید متذکر شود یا بترسد. (سوره طه 43 و 44)

امیدواری، خوش بینی و مثبت اندیشی را از خداوند بزرگ یاد بگیریم. درباره امید به رحمت الهی باید به این نکته مهم توجه کنیم که امید همین طوری و گزاف نیست، شرط و علامتی دارد مثلا گروهی گناه می کنند و می گویند ما به رحمت خدا امید داریم و همیشه همین طورند. مکرر گناه می کنند و مکرر می گویند ما به رحمت خدا امید داریم تا مرگشان از راه برسد کار اینها چه طوری است؟

امام صادق (ع) فرمود: اینها مردمی هستند که در آرزوها غوطه ورنند و دروغ گفته اند. آنها امیدوار نیستند هر کس به چیزی امیدوار باشد به دنبال آن می رود و کسی که از چیزی بترسد از آن می گریزد.

این فرمایش حضرت سند قرآنی دارد: سند اول این که خداوند می فرماید هرکس به لقاء پروردگار خویش امیدوار است باید عمل صالح انجام دهد (کهف 110) و سند دوم این که خداوند عده ای را مورد ملامت و عتاب قرار می دهد که دنبال امور دنیوی می روند و می گویند بخشیده خواهیم شد. (اعراف 169)

امام صادق(ع) در حدیث دیگری فرمود: مومن، مومن نباشد تا اینکه ترسان و امیدوار باشد و ترسان و امیدوار نباشد مگر برای آنچه می ترسد و امیدوار است عمل کند.

از جمله وصایای لقمان است که بترس از خدا، ترسیدنی که چنین پنداری که اگر با تمام کارهای نیک جن وانس نزد او بروی تو را عذاب کند و امیدوار باش به رحمت او، امیدی که گمان بری که اگر با تمام گناهان جن و انس نزد او بروی تو را ببخشد و بیامزد.

اما نکته مهم ضروری برابری خوف و رجاست زیرا اگر رجا غالب باشد برخوف و خوف کم باشد رفته رفته رجای می کشد به احساس

امنیت از عذاب الهی و این عین خسران آخرت است. (اعراف 99) و اگر خوف غالب باشد بر رجا و رجا کم باشد این می کشد به یاس و یاس از رحمت الهی عین کفر است. (یوسف 87)

از امام باقر (ع) روایت است: هیچ بنده مومنی نیست جز آنکه در ضمیرش دو نور تابان است، نور خوف و نور امید که اگر هر یک با دیگری سنجیده شود هیچ یک فزونی نخواهد یافت.

مگر نه این که در بسم الله از میان هزار اسم خدا، خود را با دو اسم رحمان و رحیم ممتاز کرده است. در نماز و دعا و در هر کار دیگری که بسم الله الرحمن الرحیم می گوئیم حواسمان باشد و اجازه دهیم جان و دامن از نسیم امید به رحمت الهی بهره مند شود.

مهم ترین موضوع مرتبط با امید و ناامیدی موضوع رحمت الهی است یعنی امید به رحمت خدا. وقتی که از خدا نا امید می شویم باید در ایمان خود شک کنیم آیا من که اکنون از رحمت خدا ناامیدم هنوز هم مسلمانم؟ با ناامیدی از رحمت او ایمانمان را به باد می دهیم قرآن کریم چنین فرموده است: و چه کسی جز گمراهان از رحمت پروردگار خود نا امید می شود. (سوره یوسف 87)

و از دام های بزرگ ابلیس آن است که در ابتدا بنده را افسار گسیخته کند و از معاصی کوچک به بزرگ و از آن به کبائر کشد و چون مدتی بدین منوال با او بازی کرد و او را به خیال رجا به رحمت به وادی غرور و فریب کشاند، در آخر کار اگر او نورانیتی دید که احتمال توبه و رجوع داد او را به یاس از رحمت کشاند و به او گوید: کار تو گذشته و کار تو اصلاح شدنی نیست.